

عنوان مقاله:

اندیشه ی وحدت بخش در نقد شعر نو با نگاهی به شعر عبدالرضا شهبازی

محل انتشار:

مجله عرفانیات در ادب فارسی، دوره 2، شماره 6 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

نویسنده:

عباس گودرزی

خلاصه مقاله:

هدف ادبیات و اساسا هنر بیان یک معنا یا اندیشه، به تصویر کشیدن گوشه ای از زندگی و رفتار های انسانی از منظری نقادانه و یا پرتو افکنی بر بعدی از ابعاد بی شمار امال و اندیشه های انسان است. این بیان هنری با توسل به واسطه های مختلف صورت می گیرد. در ادبیات، این واسطه (medium) چیزی نیست جز زبان. تمام آنچه نویسنده و شاعر در دست دارد، کلماتی است که باید به مدد آن ها قصد و منظور خود را بیان کند. پس، توانایی نویسنده در به کارگیری بهترین و موثرترین الفاظ و کلمات است تا آنچه را زبان ادبی، و متفاوت از زبان روزمره است، به وجود آورد. این زبان در شعر عرف و ماهیتی متفاوت از ساختار زبان متعارف را باعث می شود، و به ویژه در شعر نو تنها با وقوف بر این که آنچه می خوانیم بخشی از یک شعر یا اثر ادبی است، قابل قبول می نماید. ما در این بحث به دنبال زیر ساخت یا اندیشه ای هستیم که این زبان به ظاهر پراکنده و غیر متعارف را در شعر نو فارسی قوام بخشیده و در کنار هم نگه می دارد. برای این منظور از قول صورت گرایان روس و آرا شعرای رومنتیک انگلیسی استفاده کرده و در پایان شعری از اشعار نوی یکی از شعرای معاصر را به عنوان نمونه نقد می کنیم.

کلمات کلیدی:

free verse, device, formalism, organic whole, defamiliarization, پریشان سخنی, صورت گرایی, شکل انداموار, تمهید, آشنا زدایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1724972>

